

بازیها و بازیچه‌ها

باید از عنوان این فصل تعجب کرد و نباید گفت که دبستان با بازی و بازیچه چه مناسبت دارد. چنانکه بتکرار درین کتاب ذکر شده بچه فقط بوسیله حرکت و جنبش و استعمال اعضای بدن و حواس و قوای خود بزرگ می‌شود و اگر اینها را بطرز صحیح اداره نکنیم مانند اکثر بچگان ایران لاغر و ناخوش و خودسر و ناهموار و بی‌تربیت باز می‌آید. بنا برین ازین قانون طبیعی باید استفاده کرده بچه را با محاظ با چیزهایی کنیم که او را هم مشغول سازد و هم تربیت بدن و اخلاق دهد و بتکامل تدریجی و صحیح وی خدمت کند. مخصوصاً برای بچه‌های کوچک که از آغوش گرم و نوازش کار مادر و اعضای خانواده خود دور مانده در کودکستانها بسر می‌برند و از بازیهای آزاد و حرکات بی‌قید که مقتضای طبیعت آنهاست محروم می‌شوند این قبیل بازیهای فنی و اخلاقی از واجبات است. ولی باید این بازیها و بازیچه‌ها مناسب با سن و درجه تکامل بچه بوده و در هر يك از آنها پرورش اعضای بدن و یا یکی از حواس پنجگانه و یا قوای دماغی او منظور



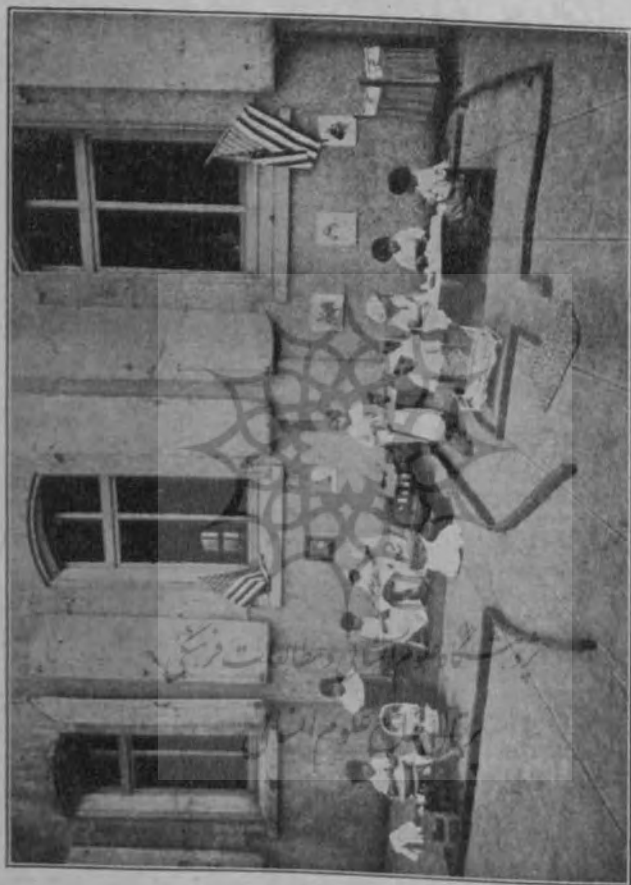
شده باشد.

اگر ما هم وزارت معارف صحیح داشتیم نه تنها در کودکانها و بازیچه‌های اطفال که امید است در آینده تأسیس شود، انواع بازیها و بازیچه‌ها را متداول مینمودیم بلکه در مدارس ابتدائی و متوسطه نیز یارۀ از بازیها را که فواید فنی و اخلاقی دارد بجهت میگردیم تا این احتیاج مبرم دورۀ بچگی در داخل مدرسه و در زیر نظر معلم و مربی رفع می‌شد و بچه‌ها محتاج بازی کردن در کوچه‌ها و مشغول شدن با بازیهای مضر و مخالف تربیت و صحت نمی‌شدند. اگر وزارت معارف ما اصلاحات اساسی در مدارس بخواهد بعمل آورد یکی از مهمترین وظایف او باید این باشد که هیئتی را برای تدوین انواع بازیها و بازیچه‌ها که در مملکت ما معمول است مأمور کند و پس از جمع‌آوری يك چنین مجموعه آنها را از نظر شورای عالی معارف و مخصوصاً کسانی که بهره کافی از فن تعلیم و تربیت و حفظ‌الصحة و روحیات اطفال دارند بگذراند تا بعد از میان آنها قسمتی را که مناسب و قابل اجرا در مدارس است انتخاب و نشر کند و در مدارس و کودکانها معمول سازد.

فایده و ارزش فنی و اجتماعی بازیها و بازیچه‌ها بقدری بزرگ است که در ممالک غرب نه تنها فابریکهای فراوان مخصوص بساختن انواع بازیها تأسیس نموده‌اند بلکه ادبا و متفکرین و علمائی هستند که اشتغال باین مسئله را مسلک خود قرار داده و ازین راه هم خود را اعاشه و هم خدمت بملت خویش میکنند.

فابریکهای بازیچه‌ساز آلمان قبل از جنگ عمومی بیش از تمام بودجه ایران بازیچه بممالک خارجه میفروختند و چنانکه یکی از جراید نوشته بود بزرگترین خسارت اقتصادی آلمان درین جنگ

این شد که مشتیهای بازیچه خود را از دست داد زیرا در سالهای اخیر جنگ هر مملکتی که بازیچه‌های آلمانرا میخرد مجبور شد که خودش فابریکهای بازیچه‌سازی باز کند تا این احتیاج مهم اطفال



بچه‌ها طرز معاشرت با همسایگان را نمایش میدهند
Dramatizing Neighborhood Life.

ملت خود را رفع نماید و حالا دیگر چندان محتاج بازیچه‌های آلمان نیستند.
اگر ده یلک آن پول را که اشراف و اغنیای مملکت ما برای

اشیاء تجمل و لوکس میدهند و بدبختانه استعمال آنها درین اواخر بی اندازه رواج گرفته و مخصوصاً زنان و دختران ایرانی در آنباب اسراف میکنند برای رواج دادن بازیچه‌های بچگانه صرف می‌کوشند یک خدمت بزرگ و مشمر برای نژاد نو ایران مینمودند تا فرزندان این نژاد خود را با معلومات فنی و جسمهای نیرومند و صحت کامل مسلح میکردند و یک جامعه سالم و با عظمت تشکیل میدادند. (۱) لیکن بدبختانه از فرط جهالت در مملکت ما کار برعکس است و بازیچه را اصلاً بی لزوم می‌شمارند و صرف کردن پول را در آن باب اسراف می‌پندارند چونکه می‌گویند بچه بدون آن هم خود بخود بزرگ خواهد شد!

برای اطلاع از چگونگی این بازیها و بازیچه‌ها که در کودکانها و مدارس ابتدائی اروپا و آمریکا معمول است قسمتی از آنها را ترجمه میکنم. اکثر اینها را در هر خانواده میتواند بکار برند و صنعتگران ایران میتوانند آنها را در داخل مملکت بسازند. هر کس برواج دادن این بازیها و بازیچه‌ها بکوشد نژاد نو زاد ایران را سببگذار خدمت خود خواهد کرد.

از مطالعه این بازیها فهمیده خواهد شد که چگونه هر يك از آنها برای پرورش يك و یا چند تا از احساس و قوای بچه خدمت میکند و ضمناً هم يك ذوق و شادی فراوان باو می‌بخشد:

۱ — چند پارچه کوچک از قماشهای مختلف مانند کرباس، مخمل، ماهوت، چلوار و غیره می‌آورند و مریه آنها را روی میزی که بچه‌ها در اطراف آن نشسته‌اند پهن کرده يك يك نام

(۱) در شماره ۴ - ۵ مجله «پیش آهنگی» مقاله‌ی متینی بعنوان فلسفه بازی بقلم آقای میرزا احمدخان امین رئیس تشکیلات پیش آهنگی درج شده.

آنها را میگوید و ضمناً نشان میدهد که این یکی مثلاً نازک است، آن یکی کلفت است آن دیگری زبر و آن چهارمی نرم است. سپس میگذارد همه بچه‌ها با دستهای خودشان آنها را امتحان میکنند و مثل او چگونگی و نام هر يك را میگویند. بعد چشمهای یکی از بچه‌ها را بسته و قماشها را جلو او میگذارد و او هر يك را برداشته با دست امتحان کرده جنس و چگونگی آنرا پیدا نموده میگوید و بچه‌های دیگر همه با ذوق و بی‌صبری گوش بجوابهای او میدهند و منتظر توبت خود می‌شوند.

۲ — مقداری بازیچه‌های چوبی که بشکل مدور و یا چهار گوشه بریده شده می‌آورند و اینها دو قسم است يك قسم سبک و قسم دیگر کمی سنگین و هر يك از این قسمها يك رنگ جداگانه دارد ولی شکل آنها همه يك جور است. همینکه بترتیب فوق چشمهای بچه را بستند مریبه میگردند که با دست خود در تادونا ازین چوبها بردارد و امتحان کرده هر يك جور را يك طرف بگذارد. بچه باید سبکی و سنگینی آنها را تشخیص بدهد و جور کند و بچه‌های دیگر با شوق زیاد تماشا میکنند و پس از باز کردن چشمها خود بچه می‌بیند که سهواً کرده‌اند.

۳ — همین بازیچه‌ها را با بازیچه‌های چوبی که اشکال مختلف دارند یعنی بعضی‌ها گرد و برخی سه گوشه و مقداری چهار گوشه و یا پنج گوشه است بازی میکنند و بچه باید با چشمهای بسته آنها را از هم جدا کرده و هر شکل را در یکطرف میز جمع کند.

۴ — مریبه با يك چوب و یا آهنپاره و یا چیز دیگر پاره اشیاء کوچک و صدادار را که روی میز گذاشته‌اند میزند و صدای هر يك از آنها را نشان و یاد میدهد و سپس چشم بچه را بسته

دوباره آن اشیاء را يك يك میزند و بچه باید باید که کدام چیز را زد.

۵ — سه چهار چیز کوچک مانند سر قلم و کلید و بازیچه‌های کوچک دیگر که قبول حرارت میکنند روی میز گذاشته مریه هر يك از آنها را چند دقیقه در کف دست خود نگاه میدارد و بعد در آورده نشان میدهد که چگونه گرمی دست او بآن چیز گذشته و آن را کمی گرم کرده است. سپس چشم یکی از بچه‌ها را می‌بندند و مریه دوباره یکی از آن چیزها را چند دقیقه در دست خود نگاه میدارد و بعد میان چیزهای دیگر قانی میکند. آنوقت چشم بچه را باز میکنند و میگذارند همه آن چیزها را دست بزنند و آن یکی را که مریه در دست داشته پیدا کند.

۶ — بچه‌ها را در يك گوشه اطاق جمع کرده پهلوی هم میشاتند و مریه بفاصله دو یا سه متر در پشت سر ایشان نشسته بآهستگی تمام اسم بچه‌ها را يك يك بدون ترتیب مینامد و هر يك از بچه‌ها باید دقت کند یعنی سراپا گوش شود که کی اسم او گفته خواهد شد و بمحض شنیدن اسم خود یا شده پهلوی مریه می‌آید و باین ترتیب هر يك از بچه‌ها می‌گوشد که اسم او نامشود که بهتر از دیگران بشنود.

رتال جامع علوم انسانی

۷ — چند عدد سکه و حبوبات مانند نخود، لوبیا و امثال آنها و یا سایر چیزهای کوچک را روی میز گذاشته نشان میدهند و بچه‌ها با دست برداشته بزرگی و شکل آنها را یاد می‌گیرند و بعد چشم یکی را می‌بندند و او آنها را يك يك برداشته می‌گوید که آن چیست و چه شکل دارد.

۸ — همین قبیل چیزها را که از پنج تا ده جور باشد

روی میز جمع کرده میگذارند بچه‌ها پنج دقیقه بآنها نگاه کنند. بعد روی آنها را پرشانده از بچه‌ها میپرسند که اسم آن چیزها را بگویند تا معلوم شود چندتا از آنها را در حافظه خود نگاه داشته‌اند. (این بازی را که برای تقویت و تعیین استعداد قوه حافظه بسیار مفید است در اروپا در مجالس شب نشینی و خصوصی نیز بازی میکنند. یاد دارم که در مدت اقامت در انگلستان در یکی از مجالس این بازی را بازی کرده‌ام و اول روی میزی در یک سینی چهل جور چیزهای بسیار کوچک از قبیل سوزن، چوب کبریت، برگ، سر قلم، کلید، دانه تسبیح، حبوبات و امثال اینها را گذاشته حضار را دعوت کردند که پنج دقیقه بآنها نگاه کنند و بعد روی سینی را پوشانند و قبلاً بهر یک از حضار یک ورق کاغذ و یک مداد داده بودند. آنوقت هر کسی شروع کرد بنوشتن اسامی آن چیزها که در آن سینی دیده بود. از همه بیشتر یک خانم انگلیسی گوی سبقت را برده و سی و پنج چیز در حافظه خود نگاهداشته و در روی کاغذ نوشته بود. همه تبریکش گفتند و یک جایزه ذقیمت که صاحبخانه قبلاً حاضر کرده بود باو دادند.)

۹ — وزنه‌هایی از چوب ماتد وزنه‌های ترازوی دوا فروشان و عطاران ترتیب داده‌اند که از یک تا ده جور وزنه بقدها و کلفتی مختلف میباشد و در روی یک تخته هر یک از آنها جای گودی دارد که آنها میگذارند و در روی هر یکی یک برآمدگی شبیه بتکمه ساخته شده که بتوان با آن آنها برداشت مریه بچه‌ها را دور میز جمع میکند و آن تخته را با وزنه‌ها روی میز گذاشته کوچکترین و بزرگترین وزنه‌ها را از جای خود بیرون آورده بزرگی و کوچکی و بلندی و پستی و نازکی و کلفتی آنها را نشان و یاد میدهد و چندین بار تکرار میکند تا خوب فرق آنها را

یاد گیرند. سپس یکی از بچه‌ها میگوید که یکی از وزنه‌ها را بیرون بیاورد و بعد یکی دیگر میگوید که يك وزنه كوچكتر از آن پیدا کرده پهلوش بگذارد و باز يك وزنه بزرگتر از اولی را یکی دیگر پیدا کند بدینقرار تمام وزنه‌ها را بیرون می‌آورند و بزرگی و



بچه‌های کلاس پنجم يك مدرسه ابتدائی نقشه آمريكا را كه محصولات زراعتی و صنعتی را نشان میدهد در روی نقشه فروش کلاس درست میکنند.

Constructing a floor map of the crops and industrial products of the U. S. A. Francis Parker school. Chicago

کوچکی و بلندی و پستی آنها را تشخیص داده یاد میگیرند و آنوقت آن قوطی باختر خود آنها گذاشته می‌شود تا بازی کنند.

۱۰ — مریه در دامن لباس خود ده بیست جور بافته‌ها و یا سنگها و یا نوپهای كوچك كه هر یکی يك رنگ مخصوصی دارد

نگاه داشته بچه‌ها را صدا میکند تا بترتیب یکی پشت سر دیگری آمده از جلوش رد شوند و هر یکی يك چیز از دامن از بر دارد و بگذرد و باز پهلوی هم بترتیب صف بایستند. سپس هر بچه باید رنگ آن چیز را که برداشته بگوید و اگر درست گفت آفرین می‌شود و اگر درست نگفت يك دفعه دیگر همان راه را می‌پیماید تا فرصت پیدا کردن داشته باشد.

۱۱ — بدست هر يك از بچه‌ها يك قاشوق چوبی یا فلزی میدهند و هر يك بترتیب از پیش مرپه گذشته يك گلوله كوچك سنگی (مازو) از وی گرفته نوبت قاشوق می‌اندازد و راه می‌افتد تا دور اطاق را بگردد ولی هر يك باید دقت کند تا گلوله از نوبت قاشوق بیرون نیفتد. این بازی را یکبار با دست چپ و بار دیگر با دست راست بازی میکنند.

۱۲ — بچه‌های بزرگتر همان بازی را بوسیله يك تخته‌پاره که تقریباً يك کره دراز باشد و در بالای دم آن يك چوب مربع گذاشته باشند بازی میکنند و راه می‌روند بدون اینکه آن چوب بیفتد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۳ — چندین چنبر چوبی را حاضر کرده بدست چند نفر از بچه‌ها میدهند که فاصله چند قدم می‌ایستند و بچه‌های دیگر آمده از نوبت آن چنبرها میگذرند بدون اینکه پای‌شان را روی چنبر بگذارند و یا سرشان بچنبر برخورد. این بازی یاد میدهد که چگونه در يك آن دو کار باید کرد هم پا را دقت کرد و هم سر را.

۱۴ — همین بازی را با چنبری که بالای آن زنگی آویخته‌اند بعمل می‌آورند و بچه‌ها دقت میکنند که بآن زنگ برخوردند و

بصدا نیاورند.

۱۵ — بچه‌ها بترتیب از جلو مریه میگذرند و او بالای سر هر بچه يك مقوا یا تخته یا يك چیز سبک دیگر میگذارد و بچه‌ها باید دور اطاق قدم زده دومرتبه جلو مریه بیایند ولی آنچه که در بالای سر دارند نباید بیفتد و نباید هم دست بززد.

۱۶ — چند نفر از بچه‌ها فاصله نیم متر دو صف مقابل هم کشیده دستها را بهم میدهند ولی آنها را آنقدر بالا نگاه میدارند که راهی شبیه به پل تشکیل مییابد. آنوقت بچه‌های دیگر آمده يك يك از زیر دستهای آنها میگذرند و کمی خم می‌شوند و همیشه آنطرف پل رسیدند بترتیب اولی پل می‌سازند تا اولیها بنوبت خود از زیر آن بگذرند.

۱۷ — بچه‌ها حرکات بدنی بعضی پیشه‌وران را تقلید میکنند: مثلاً خیاط در حین دوختن بدستهای خود چه حرکتی میدهد، نجار چگونه اره میکشد و یا رنده میکند، قصاب چگونه میبرد، عطار چگونه ترازو را میکشد، حمال چگونه بار میبرد، کفشدوز چگونه چرم را صاف میکند، طبیعی است که آنها را بدون آلت و فقط با اعضای خود میکنند.

۱۸ — بچه‌ها در دو صف مقابل هم ایستاده و یا نشسته کف دستهای خود را بکف دستهای بچه مقابل خود می‌زنند. گاهی چپ و گاهی راست را. این بازی را با انواع طرزها از ساده گرفته تا مشکل‌تر یاد میگیرند و بذوق بازی میکنند و گاهی با کله‌های يك، دو، سه، چهار همراه می‌سازند یعنی در هر حرکت عدد ترتیبی آنها هم میگویند.

۱۹ — در باغچه و یا در کلاس از يك چوب درازی سه

زنک می‌آورند و بچه‌ها بترتیب مخصوص قدم زنان بفاصله يك متر از جلو آنها می‌گذرند و هر یکی توپ خود را می‌اندازد تا بآن زنک بخورد و هر وقت یکی توانست زنک را بصدا دد آورد هورا می‌کشند و آفرین می‌گویند.

۲۰ — در کلاس و یا در باغچه در جایی سبزی گود می‌گذارند و بچه‌ها بفاصله يك یا دو متر از پیش آن رد شده هر يك توپ خود را از دور نوبی آن می‌اندازد و دقت میکند که بیرون نیفتد. این سبزی را گاهی در جایی که بقدر قد بچه‌ها بلند است می‌گذارند و گاهی هم در جای بالاتر از قد بچه‌ها.

انواع بازیها درین کودکانها زیاد است و من در اینجا بهمین قدر اکتفا می‌کنم و البته يك مریه کامل و تجربه دیده از خود میتواند انواع دیگر ترتیب دهد و چون مقصد اساسی را ازین بازیها میداند چیزهایی ترتیب خواهد داد که موافق قواعد تربیت بوده خسته کننده و یا سخت نباشد.

علاوه برین بازیها اقسام زیادی از بازیچه هست که بعضی از آنها را بچه‌ها از خانه خودشان می‌آورند و بعضی‌ها را هم کودکان حاضر کرده بچه‌ها میدهند و روزی چند دقیقه هم با آنها مشغول می‌شوند و چون انواع آنها زیاد و ساختن آنها هم با دست چندان آسان نیست از فکر آنها صرف نظر می‌کنم.

بوسیله این بازیها و بازیچه‌هاست که بچه‌های خوردسال در آغوش هوای آزاد و پاک و در زیر نظر محبت پاش مریه‌های قابل و تجربه دیده و مهربان از فیض نشو و نما صحیح بدنی و حسی و فکری برخوردار شده خودشان را برای استفاده از تحصیلات مدارس حاضر می‌کنند و یقیناً این بچه‌های شش هفتساله کودکانهای اروپا پیش از فارغ التحصیل‌های مدارس ابتدائی

مملکت ما دارای اطلاعات فنی و اعضای قوی و مدارك مستعد
میشوند.

اگر آن استعداد فطری را که نژاد ایرانی دارد و آن آب
و هوای مساعد و زیبایی طبیعت را که مملکت ایران داراست با
قواعد صحیح فن تربیت همراه می‌کردیم چه معجزات حیرت بخش
که از افراد نژاد جدید ایران بظهور می‌پیوست و چه آتیه درخشانی
برای وطن ما تهیه می‌شد.

